

Application and function of religious greeting in the Qajar period

Hassan Zandieh¹ | Hossein Farazmand²

(DOI): [10.22034/MTE.2023.15153.1683](https://doi.org/10.22034/MTE.2023.15153.1683)

Abstract

Original Article

P 115 - 141

National and religious relations during the various dynasties of the history of Islamic Iran were organized in different ways depending on political, social beliefs and intellectual system, as well as the special function that could have for the government, including creating legitimacy, continuity and survival. In the Qajar court, there were various ceremonies and rituals that were held during national and religious occasions, this ceremony was called Salam. In this article, relying on the Qajar period, a special type of this ceremony, which was held on the occasion of Islamic holidays, called the ritual of religious greeting, will be discussed. In the current research, the manner of holding and the functions of this ritual is examined and the question is raised, how and with what function was the ritual of religious greeting held in the Qajar period? For this reason, the hypothesis of the research was proposed as follows: "The ritual of religious greeting was held during the Qajar period on the occasion of religious ceremonies and had the function of creating legitimacy for the Qajar government." The sources of this period repeatedly refer to the holding of this ceremony, especially during the rule of Naser al-Din Shah, this indicated the high importance of this type of religious ceremony in the eyes of the Qajar kings. Naser al-Din Shah was well aware of the role of religious ceremonies in creating legitimacy for his government, that is why he was trying to hold religious ceremonies in the form of greeting ceremony in the court so that he could use this ceremony for himself and the Qajar government. gain legitimacy. The aim of the current research is to confirm the hypothesis of the research using sources, documents and newspapers of the Qajar era. To achieve this, in the course of explaining how the ritual of religious greeting is held, the role of legitimizing this ceremony for the Qajar government is discussed.

Key words: ritual of greeting; religious legitimacy; Qajar period; Naseroddin shah; Islamic holidays.

1. Assistant Professor, Department of History, University of Tehran, Iran Corresponding author, zandiyehh@ut.ac.ir.

2. MA in History from University of Tehran, Iran hoseinfarazmand1375@gmail.com.

Received: 2021/04/02 | Accepted: 2021/11/23



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

کاربرد و کارکرد سلام مذهبی در دوره قاجار

حسن زندیه^۱ | حسین فرازمند^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/MTE.2023.15153.1683](https://doi.org/10.22034/MTE.2023.15153.1683)

علمی - پژوهشی

ص: ۱۴۱/۱۱۵

چکیده

مناسبات ملی و مذهبی در دوران سلسله‌های گوناگون تاریخ ایران اسلامی بسته به باورهای سیاسی، اجتماعی و نظام فکری و همچنین کارکرد خاصی که می‌توانست برای حکومت از جمله ایجاد مشروعیت و تداوم و بقا داشته باشد به صورت‌های متفاوتی برگزار می‌گردید. در دربار قاجار مراسم و آئین‌های متنوعی باب شده بود که در هنگام مناسبت‌های ملی و مذهبی برگزار می‌گردید، این مراسم سلام نام داشت. در این مقاله با تکیه بر دوره قاجار به نوع خاصی از این مراسم که به مناسبت اعیاد اسلامی برگزار می‌گشت به نام آئین سلام مذهبی، پرداخته خواهد شد. در پژوهش حاضر، چگونگی برگزاری و کارکردهای این آئین بررسی شده و این پرسش را مطرح می‌نماید که آئین سلام مذهبی در دوره قاجار چگونه و با چه کارکردی برگزار می‌گردید؟ به همین سبب، فرضیه پژوهش اینگونه مطرح شد: «آئین سلام مذهبی در دوره قاجار به مناسبت مراسم مذهبی برگزار می‌گردید و کارکرد مشروعیت‌زایی برای حکومت قاجار داشت.» منابع این دوره به طور مکرر به برگزاری این مراسم به خصوص در زمان حکمرانی ناصرالدین شاه اشاره دارند، این امر نشان دهنده اهمیت بالای این گونه مراسم مذهبی در نگاه شاهان قاجار بود. ناصرالدین شاه، به خوبی از نقش تشریفات مذهبی در ایجاد مشروعیت برای حکومت خود پی برده بود، به همین سبب در تلاش بود، مراسم مذهبی را به شکل آئین سلام و در دربار برگزار کند تا بتواند با استفاده از این آئین، برای خود و حکومت قاجار کسب مشروعیت کند. هدف پژوهش حاضر، محرز کردن فرضیه پژوهش با استفاده از منابع، اسناد و روزنامه‌های دوران قاجار است، برای محقق کردن این امر، در خلال، تبیین چگونگی برگزاری آئین سلام مذهبی به نقش مشروعیت‌زایی این مراسم برای حکومت قاجار پرداخته می‌شود.

کلیدواژه: آئین سلام؛ مشروعیت دینی؛ دوره قاجار؛ ناصرالدین شاه؛ اعیاد اسلامی.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، ایران نویسنده مسئول، zandiyehh@ut.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران، ایران hoseinfarazmand1375@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰



مقدمه

در طول تاریخ ایران اسلامی، مراسم و آئین‌های گوناگونی برگزار می‌شد که هر کدام دارای اهمیت و کارکردهای خاص خود بوده‌اند. در دوره قاجار نیز، آئین‌های گوناگون و متنوعی منعقد می‌شد که از اهمیت به خصوصی برخوردار بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین آئین‌ها در این دوره را می‌توان آئین سلام دانست که دارای شیوه‌ی برگزاری خاص خود بود. یکی از انواع آئین سلام، سلام مذهبی نام داشت که به مناسبت مراسم مذهبی مختلف برگزار می‌گردید. شیعیان در طول تاریخ، بنابر مناسبت‌های گوناگون، مراسم مذهبی متعددی برپا می‌کردند. این مراسم به مناسبت اعیاد اسلامی، ارتحال یا تولد پیامبر^(ص) و ائمه شیعه برگزار می‌شد. تمام این مراسم برای شیعیان از اهمیت شایانی برخوردار بود. با توجه به اهمیت اینگونه مراسم، شاهان قاجار توجه ویژه‌ای به برگزاری این مراسم داشتند. ناصرالدین شاه (تولد ۱۲۱۰ ش/وفات ۱۲۷۵ ش)، پس از به سلطنت رسیدن، با درک اهمیت مراسم مذهبی در امر مشروعیت‌زایی برای حکومت خود، این مراسم را در قالب آئین سلام مذهبی برگزار کرد. ابتدا ناصرالدین شاه و سپس جانشینان وی، به مناسبت مراسم مذهبی، آئین سلام منعقد می‌کردند به این ترتیب، توانستند این آئین را به گونه‌ای درباری درآورند و برای اهداف سیاسی خود، از آن بهره‌برداری نمایند. ناصرالدین شاه و جانشینان او، به این مراسم توجه ویژه‌ای داشتند؛ زیرا کاملاً به نقش مشروعیت‌زایی این گونه مراسم پی برده بودند و به طور مداوم به برقراری آئین سلام مذهبی اقدام می‌کردند.

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان گفت آئین سلام مذهبی در دوره قاجار از لحاظ سیاسی، از اهمیت بالایی برخوردار بود. از همین رو در این پژوهش سعی می‌شود با استفاده از منابع، اسناد و روزنامه‌های این دوره، به پرسش آئین سلام مذهبی در دوره قاجار، چگونه و با چه کارکردی برگزار می‌گردید؟ پاسخ داده شود. برای پاسخ بهتر به سوال اصلی، سعی داریم در طول پژوهش به پرسش‌های، شیوه‌ی برگزاری سلام‌های مذهبی در دوره قاجار چگونه بود؟ و آئین سلام مذهبی چه کارکردی داشت؟ پاسخ دهیم.

بنابر پرسش‌های مطرح شده، فرضیه پژوهش حاضر اینگونه مطرح می‌گردد: «آئین سلام مذهبی در دوره قاجار به مناسبت مراسم مذهبی برگزار می‌شد و کارکرد مشروعیت‌زایی برای حکومت قاجار داشت».

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که با بررسی آئین سلام مذهبی در دوره قاجار می‌توان درک بسیار بهتری از تاریخ این دوره به دست آورد. در اولین گام با بررسی آئین سلام، از چگونگی

برگزاری یک مراسم بسیار مهم داده‌های معتبری به دست می‌آید. علاوه بر این امر، با توجه به حضور شاه و تمام ارکان حکومت با کنکاش در آئین سلام مذهبی، می‌توان میزان مشروعیت شاه و مسائل مهم کشوری را بهتر درک کرد.

تاکنون پژوهش مستقلی در باب سلام‌های مذهبی در دوره قاجار صورت نگرفته است، در باب مراسم سلام به طور کلی دو پایان نامه موجود است، نخست اثر از نگارنده این مقاله با عنوان «آئین سلام در دوره قاجار» و دوم «آئین سلام در دوره پهلوی» اثر حسین حقیقی که هر دو در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به راهنمایی حسن زندیه، در دسترس است. به جز دو مورد یاد شده، در «ایران در دوره سلطنت قاجار» اثر شمیم، تاریخ سیاسی دوره صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله اثر محمود فرهاد معتمد و فرهنگ مردم (فولکور ایران) اثر سیدعلی میرنیا تنها به صورت گذرا به مراسم سلام اشاره شده است.

۱. سلام مذهبی و کارکرد مشروعیت بخشی

حکمرانان قاجار پس از به قدرت رسیدن در تلاش بودند برای حکومت تازه تاسیس خویش، مشروعیت کسب کنند. در این ایام نظریه سید جعفر کشفی مطرح بود که بیان می‌کرد، حکومت دارای دو رکن قدرت سیاسی و قدرت دینی می‌باشد. بنابراین نظریه، حاکم واقعی باید هر دو رکن را فراگیرد؛ یعنی حاکم علاوه بر آشنایی با کشورداری، باید علم دین را نیز فراگیرد (کشفی، ۱۳۸۱: ۹۰۱)؛ اما در دوره قاجار این دو کاملاً از یک دیگر مستقل شد (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۱۹۲). این امر، زمینه ساز تعارض‌های میان پادشاهان قاجار و علماء گردید.

پس از جلوس آقا محمد خان (تولد ۱۱۲۱ ش / وفات ۱۱۷۶ ش) و تأسیس حکومت قاجاریه در ایران، وی در تلاش بود برای حکومت تازه تأسیس خود، مشروعیت کسب کند. او با استفاده از عناصر بر جای مانده از عصر صفوی، سعی کرد حکومت خود را میراث‌دار صفویان نشان دهد؛ اما علمای تشیع با توجه به اینکه قاجارها سادات نبودند و نمی‌توانستند ادعای نیابت از طرف امام غائب داشته باشند و به همین سبب به هیچ وجه از نظر دینی جایگاه صفویان را نداشتند، برای قاجارها همچون صفویان مشروعیت دینی قائل نبودند (جعفر آقا زاده، ۱۳۹۶: ۱، ۱۸۸). این تلاش آقا محمد خان و ادامه حاکمان قاجار را می‌توان همسو با نظریه حاکمیت سنتی دانست. اما حاکمیت سنتی در ایران دارای چه ویژگی‌های بوده است؟ درک بهتر این مسأله، نیازمند شناخت حاکمیت سنتی است.

«در حاکمیت سنتی، اقتدار از آن مافوقی نیست که از سوی شهروندان انتخاب شده باشد،

بلکه از آن مردی (فرزند ارشد، مسن‌ترین عضو خانواده و غیره) است که به موجب سنتی برای در اختیار گرفتن قدرت دعوت می‌شود؛ لذا، او به شخص خودش فرمان‌روایی می‌کند و اطاعت از شخص او به عمل می‌آید و جنبه یک عمل تعبدی را پیدا می‌کند. در این حالت، حکومت‌شوندگان شهروندان نیستند؛ بلکه یا همتایان‌اند (در حالت پیرسالاری) و یا بندگان و رعایا که از یک قاعده یا هنجار غیر شخصی اطاعت نمی‌کنند؛ بلکه از یک سنت یا از دستوراتی که به موجب امتیاز سنتی فرمان‌روا مشروعیت یافته است، اطاعت می‌کنند. بر حسب مزاج فرمان‌روا، ممکن است مشمول لطف و مرحمت یا خشم و غضب او واقع شد. فرمان‌روای سنتی عموماً به موجب قواعد متداول انصاف و عدالت اخلاقی یا به موجب درایت شخصی رفتار می‌کند نه به موجب اصول ثابت و صریح. با این وصف، نباید سنت را با خودکامگی یکی پنداشت؛ زیرا اگر فرمان‌روا سنت شکنی کند، احتمال دارد مقاومت‌هایی را برانگیزد، که البته نظام را متزلزل نخواهد کرد؛ اما فرمان‌روا و اعوان و انصارش را چرا. بدیهی است که در چنین شرایطی صحبت از وضع نظام حقوقی نوین در میان نیست؛ بلکه در صورت بروز مشکلی، به درایت پیش کسوتان و ریش سفیدان اعتماد می‌گردد، که به گونه مسالمت جویانه‌ای مشکل را از پیش پا بردارند». (فروند، ۱۳۸۱: ۲۱۷-۲۱۸)

علماء از ابتدای تأسیس حکومت قاجار، برای شاهان قاجار مشروعیت چندانی قائل نبودند و به واسطه عدم توانایی علما در به دست گرفتن حکومت (حائری، ۱۳۸۱: ۸۰) و حمایت از تشیع و دفاع از کشور، قاجاریان را به صورت محدود تأیید کرده و آن‌ها را حکام جوری می‌نامیدند (قمی، ۱۳۸۷: ۳۸۷-۳۸۵). سلاطین قاجار برای کسب مشروعیت دینی، به ترویج مذهب شیعه می‌پرداختند و از علمای دین حمایت می‌کردند. (مظفر، ۱۳۶۸: ۳۱۲) آنان می‌دانستند که جلب نظر شیعیان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند، می‌تواند آن‌ها را به عنوان پادشاه شیعیان معرفی کند و برای حکومت قاجار مشروعیت‌زا باشد (رئوف، ۱۳۸۰: ۲۵؛ مدنی، ۱۳۷۰: ۷۹-۸۰) شاهان قاجار به زیارت قبور ائمه می‌رفتند به بازسازی و طلاکاری گنبد‌های متبرکه می‌پرداختند و به طور دائم در مراسم مذهبی شرکت می‌جستند. (حکیمی، ۱۳۸۶: ۹۳)

آئین سلام، یک محفل برای کسب مشروعیت از طرف شاه بود. شاه در این مراسم در مقابل تمام صاحب‌منصبان، نظامیان و سفرا ظاهر می‌شد و فرصتی برای مشروعیت‌سازی او فراهم می‌گشت. اهمیت سلام، زمانی مشخص می‌گردید که شاه با تزلزل و بحران مشروعیت مواجه می‌شده و با بهره‌گیری از این آئین، کوششی در جهت بهبود اوضاع می‌نمود. اهمیت مراسم سلام برای شاهان قاجار به حدی بود که حتی در برخی موارد با وجود بیماری شدید، اقدام به برگزاری سلام می‌کردند

(اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳: ۱۶۶۹/۳). دارا بودن تالار سلام را می‌توان نشانی از تلاش شاه‌زادگان، برای دستیابی به حکومت دانست (کرمانی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). عباس میرزا (تولد ۱۱۶۸ ش / وفات ۱۲۱۲ ش) در زمان ولیعهدی، دارای تالار سلام اختصاصی بود (دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۱۹۶ و ۲۸۶)، این امر را می‌توان نشان از میل وافر عباس میرزا برای به دست گرفتن سکان هدایت حکومت قاجار و قدرت‌گیری وی در این دوره دانست.

فتحعلی شاه (تولد ۱۱۵۱ ش / وفات ۱۲۱۳ ش) بعد از اینکه سکان هدایت حکومت را در دست گرفت، با علماء روابط حسنه برقرار کرد و تلاشی برای کسب مشروعیت دینی نمود (حائری، ۱۳۹۹: ۳۵۶). اما پس از جلوس محمد شاه (تولد ۱۱۸۶ ش / وفات ۱۲۲۷ ش)، روابط حکومت با علماء رو به تیرگی رفت (الگار، ۱۳۹۶: ۱۴۹). ناصرالدین شاه به خوبی آگاه بود که برای کسب مشروعیت دینی، باید به علماء توسل جوید و روابط نزدیکی با آن‌ها برقرار کند. در راستای این امر وی توانست، تأیید یکی از علمای برجسته شیعه به نام میرزا محمد نائینی را برای حکومت خویش کسب کند، وی در نامه‌ای حکومت ناصرالدین شاه را مورد تأیید قرار داد (رجبی دوانی، ۱۳۹۰: ۳۰۴/۱). ناصرالدین شاه حداقل در ظاهر به علماء احترام می‌گذاشت و کوشش می‌کرد رابطه حکومت با علماء را بهبود بخشد. وی در مراسم مهم درباری، وقتی علماء وارد می‌شدند، از تخت خود برخاسته و روی زمین کنار آن‌ها می‌نشست (هدایت، ۱۳۶۱: ۸۹). تا زمانی که علماء در دربار حضور داشتند، هیچ کس حق نواختن موزیک نداشت. ناصرالدین شاه به خوبی درک کرده بود که برای کسب مشروعیت دینی به خصوص در بین عوام، نیازمند حمایت علماء است و می‌بایست روابط حسنه‌ای با آن‌ها داشته باشد.

ناصرالدین شاه برای به دست آوردن مشروعیت دینی و حل بحران مشروعیت، از ابزارها و شیوه‌های نوین دیگری نیز استفاده کرد. وی پایه‌گذار و مبتکر مراسمی بود که با عنوان «سلام مذهبی» از آن‌ها یاد می‌شود؛ او با بهره‌وری از سلام مذهبی و برگزاری آن به طور مداوم، خویش را شخصی دیندار و متشرع جلوه داد و تلاش کرد مشروعیت و مقبولیت دینی کسب کند؛ علاوه بر این، وی سعی می‌کرد با استفاده از این مراسم، دعاوی خود را به عنوان پادشاه شیعیان به اثبات برساند؛ وی در سلام تولد امام علی^(ع)، مراسمی برای سرگرمی مردم ترتیب می‌داد، بدین ترتیب، مردم را نیز در برگزاری این مراسم شریک می‌کرد تا بتواند با این روش قدرت علماء را به حاشیه برده و مقبولیت بیشتر در بین عوام کسب کند (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۴۷/۲). ناصرالدین شاه در مراسم سلام غدیر در سال ۱۲۸۸ ق در جمع درباریان و نظامیان، به سخنرانی پرداخت. توجه به سخنان وی، می‌توان از اهمیت آئین سلام مطلع شد. متن سخنرانی ناصرالدین شاه، بدین شرح بود:

«البته امروز خیال می‌کنید که چرا من ملبس به لباس نظام شده‌ام، علت آن است که چون امروز عید مولود امیرالمومنین علیه السلام است و روز فرخنده و مبارک است. ریاست کلیه قشون را به عهده گرفته‌ام و از امروز به بعد داخل خدمت قشون محسوب خواهم بود و سبب این را البته می‌دانید که در این سنوات گذشته، آن طوریکه باید و شایسته دولت ایران است و آن قسمتی که منظور نظر ما بود، ترقیات در شعبات نظامی و غیر نظامی حاصل نشده، بخصوص آن ترقیاتی که در اسلحه جدید یورپ و در قواعد مشق و درس نظامی آن‌ها تأثراً در تزیید است، سرایت به ایران نکرد و سرکردگان و صاحب‌منصبان از بزرگ و کوچک، حدود و خدمات خود را گم کرده، شأن و احترام نظامی از میان رفته بود و سرکردگان و رؤسا و کسانی که راضی در خدمت لشکر به بودند و به بعضی اعمال ناشایسته عادت کرده و قوانین نظامیه را فراموش نموده بودند و اردوهای که دائم در مشق و حرکت باید باشند؛ چه در سرحدات چه در داخله و نقاط معینه؛ بی‌حرکت مانده، کم‌کم فراموش شده بود و همچنین بعضی معایب دیگر که رفع آن‌ها الزام امور دولتی است؛ این است که ریاست نظامی را به نفس نفیس لازم دانستم در کار و انتظام آن را به عهده خود گرفتم. چون یک نفر نوکر دولتخواه صدیق قاعده‌دان لازم است که واسطه میان ما و امور قشون باشد؛ لهذا حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله را که حاضر حضور است؛ از جانب خود نایب کرده، ملقب به سپهسالار اعظم و وزیر عسگریه می‌فرمائیم و این دو کتاب قانون نظام را که سابقاً نوشته شده بود، هنوز اجرا نیافته بود، به دست خودمان بدو می‌دهیم که انشالله تعالی الی نقطه آخر مجری دارد و نکته فرو نگذارد و از این روز به بعد، القاب و مناصب نظامیه به استحقاق باید باشد نه به واسطه وراثت و از امروز هر خدمت را پاداش نیک خواهیم داد و هر خیانت را تنبیه و سیاست و گذشت و اغماض به هیچوجه نخواهد بود، خادم محروم نخواهد ماند، مقصر آزاد نخواهد گردید». (معتمد، ۱۳۲۵: ۵۴-۵۵)

مظفرالدین شاه نیز همچون پدر تاجدار خویش، به این‌گونه مراسم توجه ویژه‌ای داشت و حتی با وجود بیماری شدید، از آئین سلام غافل نمی‌شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۶۶۹/۳)؛ وی برای دستیابی به مشروعیت دینی، علاوه بر سلام‌های ایجاد شده در زمان پدر خویش، دست به برپایی سلام تولد امام حسین^(ع) زد (سپهر، ۱۳۸۶: ۶۰/۱) که با توجه به ارادت شیعیان به امام حسین^(ع)، می‌توانست عامل مهمی در مشروعیت دینی وی باشد. او توانست دو عنصر مشروعیت‌زای دینی، یعنی نزدیکی به علماء و برپایی سلام‌های مذهبی را یکی کند و از همین رو، در زمان وی، حضور علماء در مراسم سلام بسیار پر رنگ شد (کرمانی، ۱۳۸۹: ۵۱۱). این اقدامات با توجه به تأثیر انقلاب مشروطه بر جامعه و مشروعیت شاهان، بسیار مفید بود.

پس از انقلاب مشروطه (۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش) مجلس، قدرت شاه را محدود کرد و شاهان قاجار دیگر قادر مطلق نبودند؛ به همین علت، سکانداران حکومت قاجار در تلاش بودند تا با استفاده از آئین سلام مذهبی بر مشروعیت خود بیفزایند. به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه (تولد ۱۲۵۱ش/ وفات ۱۳۰۴ش) و مطالبی که روزنامه‌هایی چون مساوات (مساوات، شماره ۱۲: ۲)، صور اسرافیل (صوراسرافیل، شماره ۱: ۵؛ صوراسرافیل، شماره‌های ۲، ۳: ۳) و روح القدس (روح القدس، شماره ۱۹: ۱-۲) در نقد استبداد می‌نگاشتند، نشان‌دهنده از بین رفتن مقبولیت محمدعلی شاه در میان مردم بود. مجلس ملی، برای بهبود روابط شاه با حزب مردمی، مجلس مصلحه را تشکیل دادند که توانستند در سال ۱۳۲۵ق بعد از مراسم سلام عید قربان و غدیر خدمت شاه برسند (براون، ۱۳۸۰: ۱۸۹). محمدعلی شاه به واسطه مشروطه از ابتدا به این امر واقف بود و مانند پدرش، تلاش کرد با استفاده از علماء در آئین سلام، مشروعیت از دست‌رفته خویش را احیاء کند (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۸۰/۳). بعد از به توپ بستن مجلس (۱۳۲۶ق/۱۲۸۷ش)، آئین سلام در نگاه وی از اهمیت بالایی برخوردار شد و تلاش کرد با این روش، اقدامات خود را مشروع نشان دهد (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۲۷۸/۲). وی به خوبی بر این امر آگاه بود که آئین سلام مذهبی می‌تواند مشروعیت‌زا باشد؛ به همین دلیل در آئین سلام عید قربان، احمد شاه (تولد ۱۲۷۶ش/ وفات ۱۳۰۸ش) را به عنوان ولیعهد انتخاب کرد. (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۷۱)

احمد شاه به آئین سلام بی‌اعتنا بود و به صورت محدود اقدام به برگزاری آن می‌نمود؛ اما رضاخان به خوبی بر اهمیت آئین سلام واقف بود؛ وی می‌دانست که می‌تواند با استفاده از این مراسم، بر مشروعیت خویش بیفزاید به همین دلیل، در مراسم سلام نیمه شعبان، به عنوان وزیر جنگ به همگان معرفی شد (شمیم، ۱۳۸۹: ۶۰۳). حضور وی در آئین سلام، نشانه تأیید وی بر حکومت احمد شاه بود. بنابراین، در بلوای جمهوری در تلاش بود قبل از آنکه مجبور شود به احمد شاه در قامت شاه قاجار سلام دهد، حکومت جمهوری را جایگزین حکومت قاجار سازد. (دولت‌آبادی، ۱۳۷۲: ۳۵۱/۴)

۲. مراسم‌های سلام مذهبی و چگونگی برگزاری آن

مراسم سلام مذهبی، چگونه برگزار می‌شده است؟ مراسم سلام‌ها تا حدودی مشابه هم بوده است، با این حال؛ شیوه برگزاری بخش‌هایی از مراسم که به صورت متفاوت از یکدیگر برگزار می‌گردید، قابل توجه است. در ادامه به چگونگی مراسم سلام‌ها با نگاه به تفاوتی که با آن دیگری داشته، اشاره می‌شود.

۲-۱. سلام عید قربان

عید قربان یکی از مهم‌ترین اعیاد اسلامی است که در این روز مسلمانان به قربانی کردن حیوانی حلال گوشت مبادرت می‌ورزند. در دوره قاجار نیز، عید قربان با شکوه برگزار می‌گردید. سفرنامه‌های خارجی‌ان در عهد قاجار حکایت از اهمیت فراوان برگزاری این عید در میان مردم دارند. دکتر فوریه در سفرنامه خود، در باب اهمیت این عید می‌نویسد: «در این عید هر مسلمانی باید لااقل جوجه‌ای را سربرد» (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۶۵). برگزاری مراسم دینی به مناسبت این عید در دوره صفوی نیز معمول بود و پادشاهان صفوی در این روز به قربانی شتر مبادرت می‌کردند (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۶۹).

شاهان قاجار برای جای نماندن از حکومت‌های پیشین، کسب مشروعیت مذهبی بیشتر در میان مردم و رقابت دینی با ممالک اسلامی همچون عثمانی‌ها، این جشن را در نهایت شکوه برگزار کرده و اقدام به ایجاد و برگزاری مراسم سلام عید قربان نمودند. فوریه می‌نویسد: «سلطان عثمانی با دستان خود گوسفندی را در اسلامبول قربانی می‌کند؛ ولی در تهران شاهنشاه امر به کشتن شتری می‌دهد تا از سلطنت عقب نمانده باشد» (فوریه، ۱۳۸۵: ۲۶۵). حضور و دعوت تعداد زیادی از سفرای ممالک اسلامی در مراسم سلام قربان (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۷۱)، شاهد دیگری از اهتمام شاه برای رقابت با دیگر ممالک اسلامی بود.

قاجاریان به پیروی از صفویان، شترهایی را به‌طوری خاص پرورش می‌دادند (ماساها، ۱۳۷۳: ۱۸۰) تا در این روز قربانی کنند. کارکنان کاخ چند روز قبل از عید قربان، شتری را که برای قربانی کردن مدنظر قرار داده بودند، تزئین کرده، به همراه موزیک در خیابان‌های شهر می‌چرخاندند (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۶۹). صبح عید قربان، شاه‌زاده‌ای از تبار قاجار که وظیفه داشت به نمایندگی از شاه، حیوان را ذبح کند (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۷۲)، به همراه دو اسب با زین طلا، در کوچه و خیابان شهر، حیوان را می‌گرداند؛ همچنین نمایندگان اصناف مختلف، شاه‌زاده را همراهی می‌کردند تا پس از ذبح، سهم خود را از حیوان طلب کنند (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۶۹).

مردم با دیدن شاه‌زاده، نذورات خود را به وی اهداء می‌کردند، پول‌های اهدایی به حدی بود که وی می‌توانست تا سال بعد امرار معاش کند (بیت، ۱۳۶۵: ۱۳۱-۱۳۲). در نهایت شتر را قبل از ذبح، از مقابل شاه می‌گذراندند. (سپهر، ۱۳۸۶: ۱۵۴/۱)

پیش از ناصرالدین شاه، شتر را روی تپه‌ای بیرون از شهر، قربانی می‌کردند (فیدورکورف، ۱۳۷۲: ۲۴۰)؛ اما از آن زمان، حیوان را در میدان نگارستان و مقابل مردم می‌کشتند (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۷۴). شاه‌زاده‌ای با ضرب نیزه، حیوان را از پای در می‌آورد (سپهر، ۱۳۸۶: ۱۵۴/۱)؛ فیدورکورف، ۱۳۷۲:

۲۴۰؛ اوین، ۱۳۶۲: ۱۷۰)، سپس قسمتی از گردن را بر نیزه می‌زد، به عنوان مدرکی دال بر اتمام کار خویش، خدمت شاه می‌برد (اوین، ۱۳۶۲: ۱۷۰). قسمت‌های مختلف لاشه حیوان، به طور سنتی، به یکی از اصناف تعلق داشت (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۷۱). این تقسیم بندی بدین گونه بود: «سر شتر، سهم صنف نعل‌بندان است. چون گویا در گذشته، در یکی از مراسم، یکی از اعضای این صنف، حین کشتن حیوان، خود به قتل رسیده بود. به خاطر این حادثه ناگوار، صنف آنان از چنین امتیازی برخوردار شده بود. قسمت بدن حیوان، که مهر و نشان مالک اصلی را دارد، سهم زنبوک‌چی باشی، یعنی رئیس دسته ای است که توپ را بالای شترها سوار می‌کنند. گردن شتر، مال نانوایان، کوهان آن سهم پالان‌دوزان بود. دو پای جلو یکی به آهنگران و دیگری به عطاران، دو پای دیگری به قصابان، دل و قلوه فروشان و سایر فروشندگان اعضای مختلف بدن گوسفند، می‌رسد». (اوین، ۱۳۶۲: ۱۷۰)

مردم عادی پس از آن که نمایندگان اصناف سهم خود را برداشتند، به سوی جنازه هجوم آورده و تلاش می‌کردند قسمتی از آن را به دست آورند. تقسیم این گوشت از جانب شاه میان اصناف و بازاریان و اقشار ضعیف‌تر جامعه که خوردن آن را شفاعت بخش می‌دانستند وجهه مذهبی و متدین شاه را در نزد این گروه‌ها تقویت می‌کرد. (ییت، ۱۳۶۵: ۱۳۲)

به مناسبت عید قربان نه تنها در مقابل سردر شمس‌العماره و الماسیه (روزنامه ایران، شماره ۹۳۴ و ۹۵۷: ۱)، آتش‌بازی مفصلی ترتیب داده شده و مردم به جشن می‌پرداختند (همان، شماره ۵۲۸: ۲؛ همان، شماره ۸۵۷: ۱)؛ بلکه در دربار هم سلام قربان منعقد می‌شد (براون، ۱۸۰: ۱۸۹؛ اورسول، ۱۳۸۲: ۲۸۲؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۹۷: ۵۳۷؛ روزنامه ایران، شماره‌های، ۲۰۶، ۳۴۰، ۳۷۲، ۷۵۱، ۸۰۳، ۹۱۲، ۱۰۳۲: ۱).

برای برپایی این سلام مکان خاصی در نظر گرفته نشده بود و در قصر جهان‌نمای نیاوران (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۰ / ۸۹۳۵)، سلطنت آباد (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۸: ۲۲۵؛ روزنامه ایران، شماره ۵۵۵: ۱)، شمس‌العماره (روزنامه شماره‌های، ۴۳۶، ۹۵۷: ۱)، تخت مرمر (ناصرالدین، ۱۳۷۲: ۶۲۰)، عمارت سلطان (روزنامه ایران، شماره ۵۸۲: ۱) و عمارت کیوان (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۰ / ۸۶۷۲)، برپا می‌شد. پیش از سلام، سفرای کشورهای اسلامی مقیم تهران، برای عرض تبریک خدمت شاه می‌رسیدند (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۷۱). در موردی، زمان حکمرانی محمدعلی شاه، سفیر کشور روسیه به همراه خانواده، برای تماشای سلام آمده بود (عزیزالسلطان، ۱۳۷۲: ۱۳۵۲). در سال‌های ۱۲۸۳ ق (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۶: ۱۳۸)، ۱۳۲۲ (روزنامه ادب، شماره ۴۱: ۳۱۷-۳۲۴)

و ۱۳۲۴ ق (روزنامه الجنب، شماره ۷: ۸-۱) نشانی از برگزاری سلام در دست نیست. این سلام با حضور «شاهزادگان عظام و وزرای فخام و طبقات چاکران و امرای دربار و صنوف خدم از ارباب سیف و قلم (روزنامه ایران، شماره ۵۵۵، ۱)» برگزار می‌گردید، که گاه شمار آن‌ها به چند هزار تن نیز می‌رسید (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۰/۸۶۷۲). در سال ۱۲۷۵ ق مراسم سلام به مناسبت عید قربان در سلطانیه زنجان منعقد گشت که در آن چهل هزار تن، متشکل از نظامیان و غیر نظامیان در حضور شاه گرد هم آمدند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳/۱۸۱۵). تمام رجال بر حسب مرتبه خویش می‌ایستادند (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۰/۸۶۷۲)؛ گاه بر سر جای ایستادن، بین رجال اختلافاتی پیش می‌آمد (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/۲۸۷). بعد از استقرار افراد در جایگاه خود و حاضر کردن اثاثیه سلام (سپهر، ۱۳۸۶: ۱/۱۵۴)، شاه وارد می‌شد و با شلیک توپ (بیت، ۱۳۶۵: ۱۳۲)، سلام به طور رسمی آغاز می‌گردید. مخاطب سلام و ملک الشعرا در تهنیت عید قربان به سخنوری و قصیده سرایی می‌پرداختند (اصفهانی، ۱۳۴۰: ۱/۳۶-۳۷؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۱۱۵؛ روزنامه ایران، شماره‌های ۴۰۲، ۴۷۰: ۱). نمونه‌هایی از این اشعار در پیوست خواهد آمد.

حضور یک یا دو (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۰/۸۴۰۶) مخاطب سلام در این مراسم، امری ضروری بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۲۱۳). رسیدن به این مقام، بسیار مهم و افتخار بزرگی برای مخاطب سلام محسوب می‌شد (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۹۱) و اگر فردی مدت طولانی این مقام را در اختیار داشت، نشان از اهمیت و جایگاه والای وی بود. همچنین مشاهده شده القابی چون خطیب السلطان نیز به این افراد داده می‌شد (سپهر، ۱۳۸۶: ۱/۵۲۵). وظیفه مخاطب سلام این بود که در مراسم با شاه هم‌کلام شود. به همین دلیل، سخنوری یکی از ویژگی‌های مهم وی بود (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۷/۵۰۵۰). شاه در باب مسائل گوناگونی با وی سخن می‌گفت. (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/۳۴؛ عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۲/۱۰۰۹). اعتمادالسلطنه فهرستی از مخاطبین سلام دوره ناصرالدین شاه را ارائه داده که ذکر آن در اینجا خالی از لطف نیست: «اسکندر خان سردار قاجار قوئلو؛ نواب محمدرضا میرزا پسر خاقان مغفور؛ میرزا آقاخان نوری صدراعظم؛ نواب حاج محمدولی میرزا، فرخ‌خان امین‌الدوله، میرزا فضل‌الله نوری وزیر نظام، نواب طهماسب‌میرزا مؤیدالدوله، میرزا فتحعلی‌خان صاحب‌دیوان، نواب علیقلی‌میرزا اعتضادالسلطنه، الله‌قلی‌خان ایلخانی». (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۱/۴۵-۴۶)

شاه قاجار در رابطه با مسائل کشوری و وضع ممالک با مخاطب سلام به گفتگو می‌پرداخت (روزنامه ایران، شماره ۱۴۷: ۱). پس از اتمام مراسم، شاهزادگان و برخی رجال که به شاه نزدیک

بودند، به پیشگاه وی می‌رفتند و با شخص شاه به صحبت می‌پرداختند (روزنامه ایران، شماره ۹۳۴: ۱). به ندرت پس از اتمام مراسم سلام، سربازان از مقابل شاه رژه می‌رفتند. (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۳۵۳/۲)؛ همچنین در دوره‌ی محمدعلی شاه مشاهده می‌شود که نمایندگان مجلس برای میانجی‌گری بین شاه و حزب مردمی، به حضور شاه شرفیاب شدند. (براون، ۱۳۸۰: ۱۳۸۹) محمدعلی شاه در جریان سلام عید قربان، فرزند خویش، احمد میرزا را به عنوان ولیعهد معرفی کرد (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۷۱). این امر می‌تواند دلیلی بر اهمیت بالای این سلام برای شاه باشد و یا محمدعلی شاه با استفاده از مراسم سلام و یک عید مذهبی پرشکوه، در تلاش بود تا برای ولیعهد خود مشروعیت مذهبی کسب کند. نشانی از برگزاری این سلام در دوره احمد شاه در دست نیست (روزنامه جارچی ملت، شماره ۱۰: ۱-۴؛ روزنامه نسیم شمال، شماره ۱۶: ۱-۴)، گویی این سلام در دوره وی منسوخ شد.

۲-۲. سلام عید فطر

عید فطر یکی از مهم‌ترین اعیاد اسلامی است که مسلمانان به مناسبت پایان ماه مبارک رمضان، این روز را جشن می‌گیرند. شواهدی دال بر برپایی سلام به مناسبت عید فطر قبل از دوره ناصرالدین شاه، موجود نیست؛ اما از زمان سلطنت وی تا پایان حکومت قاجار، سلام عید فطر منعقد می‌گشت (سپهر، ۱۳۳۶: ۱۹۷؛ روزنامه ایران، شماره‌های ۵۸، ۱۳۷، ۷۹۸، ۷۴۵، ۱۰۲، ۲۶۴: ۱؛ همان، شماره ۴۶۵: ۲). علت آن که برخی از سلام‌های مذهبی توسط ناصرالدین شاه برای نخستین بار برگزار می‌گردید، چنین بود که وی به طور کامل از اهمیت کسب قدرت و مشروعیت دینی آگاه بود؛ به همین سبب، تلاش کرد با ابداع این مراسم، اقدام به محدود کردن قدرت علماء و به حاشیه راندن آنان نماید و خود را به نوعی محور شیعیان جهان قرار دهد. برای نمونه؛ در این زمان تولید آستان قدس رضوی بر عهده شاه بود و از جانب وی فردی از بین علماء به عنوان متولی باشی انتخاب می‌شد؛ اما ناصرالدین شاه این وظیفه را به فرمانداری واگذار کرد. (کرزن، ۱۳۶۹: ۱۶۴/۱)

با این که عید فطر در نزد مسلمانان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ اما در منابع اشاره‌ی چندانی به سلام عید فطر وجود ندارد. جای تعجب است که در روزنامه‌هایی که همزمان یا با فاصله‌ی کمی از عید فطر به چاپ می‌رسیدند، اشاره‌ای به این عید نشده است. (روزنامه معارف، شماره ۳۱: ۱-۴) سلام عید فطر عمدتاً در تالار تخت مرمر منعقد می‌گشت (معیرالممالک، ۱۳۷۲: ۶۲؛ روزنامه ایران، شماره ۶۵۸: ۱)؛ البته شواهدی دال بر برپایی این سلام، در تالار شمش العماره (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۵۲۳/۱) و عمارت نیاوران (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۷۳۵/۳) نیز موجود است. در این

سلام، «طبقات خدام» به علاوه سفیر عثمانی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۵۷۱) و در اواخر حکومت قاجار، سفیر افغانستان با لباس رسمی، شرکت می‌کردند (فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۰۵/۳). شاه قاجار در این روز به بعضی افراد هدیه، خلعت، لقب و گاهی احکام دولتی اهداء می‌کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۷۳۵/۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۹۹۶/۳)؛ همچنین در دوره احمد شاه پس از اتمام سلام، سربازان از مقابل وی رژه می‌رفتند. (فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۰۵/۳)

۳-۲. سلام غدیر خم

پیامبر اسلام (ص) در روز غدیر خم، حضرت علی (ع) امام اول شیعیان را به جانشینی خود برگزید؛ به همین سبب این عید برای شیعیان از اهمیت زیادی برخوردار است. به این مناسبت، سلام غدیر خم در دوره قاجار منعقد می‌گشت. (روزنامه ایران، شماره‌های ۷۷، ۱۴۶، ۲۴۴، ۲۷۵، ۳۴۱، ۵۵۶، ۵۸۳: ۱)

شواهدی دال بر این که قبل از ناصرالدین شاه این سلام برگزار می‌گردید، در دست نیست، همان‌طور که پیش از این گفته شد ناصرالدین شاه اهتمام داشت با ابداع سلام‌های نو و نحوه برگزاری آن‌ها به عنوان یک فرد دیندار در مقابل علماء ظاهر شود. به نظر می‌رسد در سال‌های ۱۳۲۱ق (روزنامه حبل‌المتین، شماره ۲۴: ۱-۲۴)، ۱۳۲۲ق (روزنامه تربیت، شماره ۳۵۲: ۱-۸)، ۱۳۲۵ق (روزنامه روح القدس، شماره ۱۵، ۱۸: ۱-۴؛ روزنامه صوراسرافیل، شماره ۲۱: ۱-۸)، ۱۳۲۸ (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۹۰۶/۳) و ۱۳۴۲ق (روزنامه کوشش، شماره ۶۴: ۱-۴) این سلام منعقد نشده است.

شب عید غدیر خم در خیابان‌های شهر، جشن و آتش‌بازی مفصلی برگزار می‌شد (روزنامه ایران، شماره ۵۵۶: ۱)؛ سپس در روز عید، شاه اقدام به برگزاری سلام عید غدیر خم می‌نمود. برای این سلام، تالار خاصی در نظر گرفته نشده بود و در تالار برلیان (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۳۷۰/۲)، تالار صاحبقرانیه (روزنامه ایران، شماره ۷۲۴: ۱)، سلطنت‌آباد (روزنامه ایران، شماره ۶۰۹: ۱)، عمارت نیاوران (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۰ / ۸۹۳۷)، کاخ گلستان (روزنامه ایران، شماره ۵۸۳: ۱؛ فراهانی، ۱۳۸۵: ۲۴۵/۳)، تالار حوض بلور (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۷۳؛ روزنامه ایران، شماره ۲۷۵: ۱) و شمس‌العمارة (روزنامه ایران، شماره ۲۴۴: ۱)، سلام منعقد می‌گشت. «صدراعظم و سایر شاهزادگان عظام و وزرای فخام و امرای عسکریه و اهل نظام و ارباب قلم و سایر اصناف (روزنامه ایران، شماره ۵۵۶: ۱) و سفرای کشورهای اسلامی (فراهانی، ۱۳۸۵: ۲۴۵/۳) در این سلام با لباس‌های رسمی شرکت می‌کردند. حضور شاه در برابر افراد مذکور به عنوان رکن اصلی و بانی این عید که برای

شیعیان اثنی عشری در منتهی درجه اهمیت بود، برای وی مشروعیت‌زا بود و شاه را پشت و پناه شیعیان و خلیفه شیعیان تصویر می‌کرد. بعد از استقرار افراد، مخاطب سلام و ملک الشعرا در تهنیت این عید به سخنوری و قصیده‌سرایی می‌پرداختند (روزنامه ایران، شماره‌های ۴۰۳، ۴۳۷، ۴۷۱: ۱)؛ شاه نیز در تمجید عید غدیر خم خطبه می‌خواند (سپهر، ۱۳۸۶: ۱۷۸/۱). در طول مراسم نیز صد و ده توپ مطابق حساب ابجد نام امام علی^(ع) شلیک می‌شد (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۰ / ۸۵۶۱). در اواخر دوره قاجار، سپاه از مقابل شاه دفینه می‌کرد (روزنامه ایران، شماره ۷۳۷: ۱) و در یک مورد، مشاهده می‌گردد، محمدعلی شاه، نمایندگان مجلس را که برای ایجاد صلح بین شاه و حزب مردمی، خدمت رسیده بودند، به حضور پذیرفت. (براون، ۱۳۸۰: ۱۸۹)

۴-۲. سلام میلاد حضرت محمد(ص)

قریب مسلمانان جهان، روز میلاد حضرت محمد^(ص)، خاتم الانبیاء را به نحو احسن جشن می‌گیرند و این روز برای تمام مسلمانان از اهمیت شایانی برخوردار است. در دوره قاجار، به مناسبت میلاد حضرت محمد^(ص)، خیابان‌ها را چراغانی کرده و مراسم آتش‌بازی صورت می‌دادند (روزنامه ارشاد، شماره ۷۴۶: ۱؛ روزنامه ایران، شماره ۹۸: ۱). مبتکر این سلام همانند سلام‌های عید غدیر، و عید فطر ناصرالدین شاه قاجار بود و پس از آن جانشینانش در این روز، سلام عام ترتیب می‌دادند. (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۱: ۱۹-۱۸؛ قاسمی، ۱۳۷۹: ۶۱؛ روزنامه دولت علیه ایران، شماره ۴۴۹: ۱؛ روزنامه ایران، شماره‌های ۳۱۶، ۳۴۸، ۳۸۰، ۴۴۷، ۷۸۲: ۱)

سلام میلاد پیامبر^(ص) در تالار برلیان (روزنامه ایران، ش ۷۳۱: ۱)، تالار بلور (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۲۱۳؛ روزنامه ایران، شماره‌های ۴۱۱، ۴۷۸، ۷۰۱: ۱)، عمارت کلاه‌فرنگی (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۶)، صاحبقرانیه (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۴۵۱/۱) و تخت مرمر (روزنامه ایران، شماره ۲۸۱: ۱)، منعقد می‌گشت. «تمام شاه‌زادگان عظام و وزراء و امراء و سرداران و اهل نظام و ارباب سیف و قلم، از کشوری و لشکری، با البسه رسمی (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۶)، به علاوه سفیر عثمانی (روزنامه ایران، شماره‌های ۲۵۱، ۹۹۷: ۱) که برخلاف اعیادی که تنها اختصاص به شیعیان دارد، با تمام اجزای سفارت خود، قبل از برگزاری سلام خدمت شاه می‌رسید و تبریک عرض می‌کرد (سپهر، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۸؛ روزنامه ایران، شماره‌های ۶۷۱، ۷۵۷: ۱). در این سلام نیز مانند سایر سلام‌های عام، مخاطب سلام، خطبه می‌خواند و ملک الشعرا نیز قصیده‌ای در وصف این روز بزرگ می‌سرود (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۱: ۱۸-۱۹؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۹۶: ۲۷). در بعضی مواقع شاه نیز به مناسبت میلاد حضرت محمد^(ص) به سخنرانی می‌پرداخت (روزنامه ایران، شماره ۲۸۱: ۱) و هدایایی

به برخی رجال اهدا می‌کرد (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۹۴، ۳۶)؛ همچنین در دوره مظفرالدین شاه (تولد ۱۲۳۲ش / وفات ۱۲۸۵ش) و احمد شاه، پس از اتمام سلام، قشون از مقابل شاه رژه می‌رفتند. (سپهر، ۱۳۸۶: ۹۷/۱-۹۸؛ روزنامه ایران، شماره ۲۹: ۱)

در اواخر حکومت قاجار و دوره حکمرانی احمد شاه، دیگر نشانی از سلام میلاد پیامبر^(ص) مشاهده نشده است. منابع و مطبوعاتی که هم‌زمان با تولد پیامبر^(ص) یعنی ۱۷ ربیع‌الاول، منتشر شده‌اند، در سال‌های ۱۳۲۸ (عزیز‌السلطان، ۱۳۷۶: ۳/۱۷۶۰)، ۱۳۲۹ (روزنامه برق، شماره ۱۱: ۱-۴)، ۱۳۳۱ (روزنامه آفتاب، شماره ۱۵۲: ۱-۴) و ۱۳۴۰ (روزنامه ایران، شماره ۱۰۱۸: ۱) هیچ اشاره‌ای به برپایی سلام ندارند.

۵-۲. سلام میلاد امام علی(ع)

شب عید میلاد حضرت علی^(ع) امام اول شیعیان، آتش‌بازی مفصلی برپا می‌شد (فوویه، ۱۳۸۵: ۱۴۳؛ فراهانی، ۱۳۸۵: ۷۱۱/۲)؛ همچنین شهر را به این مناسبت چراغانی می‌کردند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۲۳۳). بنا بر روزنامه ایران که روزنامه‌ای در خدمت دربار بود و تلاش داشت چهره دین‌دار از ناصرالدین شاه تصویر کند، شاه علاقه و ارادت خاصی به حضرت علی^(ع) داشت؛ به همین علت، برای اولین بار در روز تولد حضرت علی^(ع)، دست به برگزاری مراسم سلام زد (روزنامه ایران، شماره ۴۴: ۱) بعد از این اقدام، آئین سلام میلاد امام علی^(ع) به وجود آمد و طی حکومت قاجار منعقد می‌گشت (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۷۴-۵۷۵؛ روزنامه ایران، شماره‌های ۳۶۰، ۶۲۶، ۷۹۲، ۸۷۳، ۹۰۲، ۱۰۰۴، ۲۱۱: ۱). سلام میلاد حضرت علی^(ع) در تالار تخت مرمر (معمد، ۱۳۲۵: ۵۴)، قصر نیاوران (سپهر، ۱۳۸۶: ۱۰۲۵/۲)، تخت طاووس (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۷۴/۲)، تالار بادگیر (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۸: ۱۸)، عمارت مبارکه سلطنت آباد (روزنامه ایران، شماره ۲۲۸: ۱)، تالار برلیان (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۵۷) و تالار بلور (سپهر، ۱۳۸۶: ۱۲۸/۱)، برگزار می‌شد. در این سلام، «شاه‌زادگان و وزرا و مستوفیان و لشکر نویسان و سایر طبقات» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۱۵۲) به علاوه لشکریان (روزنامه ایران، شماره ۵۹۸: ۱)، شرکت می‌کردند. جالب است که در سال ۱۳۰۱ق سفیر عثمانی بر خلاف معمول، خدمت شاه می‌رسد و این عید را خدمت ایشان تبریک عرض می‌کند (روزنامه ایران، شماره ۵۴۴: ۱). مخاطب سلام، با شاه در باب موضوعاتی مانند آب و هوا و قشون به صحبت می‌پرداخت و عید را خدمت شاه تبریک عرض می‌کرد (سپهر، ۱۳۸۶: ۱۰/۱) سپس شاعر دربار به این مناسبت شعری در مدح شاه و تبریک میلاد امام علی^(ع) قرائت می‌نمود (اصفهانی، ۱۳۴۰: ۲۰۲-۲۰۳، ۳۶۵-۳۶۶). شاه نیز در این سلام در باب مسائل

مختلف مانند وضع قشون (معمد، ۱۳۲۵: ۵۴) یا تبریک عید (روزنامه ایران، شماره ۲۶۱: ۱) به سخنرانی می پرداخت.

زمان فرمانروایی ناصرالدین شاه، بعد از آنکه قلیان سلام را به نشانه پایان مراسم بر زمین می گذاشت، خود را به مردم عادی که به این مناسبت تجمع کرده بودند، نشان می داد و دستور می داد اسباب سرگرمی مردم را با رقص، طناب بازی و آواز فراهم کنند (بروگش، ۱۳۶۷: ۵۴۷/۲). با توجه به اهمیت امام اول در فرهنگ شیعه و محبوبیت وی نزد مردم، این اقدام ناصرالدین شاه را می توان تلاشی برای ایجاد مقبولیت بیشتر در بین عوام دانست. در انتهای مراسم، سپاهیان دفینه کرده و از مقابل شاه می گذشتند (روزنامه ایران، شماره ۹۴۸: ۱). زمان حکمرانی مظفرالدین شاه، همانند سلام عید غدیر، ۱۱۰ توپ مطابق با نام امام علی (ع) شلیک می شد. (سپهر، ۱۳۸۶: ۱۰/۱) به نظر می رسد در اواخر عصر قاجار و در زمان حکمرانی محمدعلی شاه و احمد شاه این سلام از رونق افتاد و در سال ۱۳۲۷ق (روزنامه ندای وطن، شماره ۷: ۱-۴) و ۱۳۲۹ق (حبل المتین، شماره ۴: ۱-۲۴)، نشانی از برگزاری این سلام در دست نیست. زمان حکمرانی احمد شاه، بیشتر افراد نظامی در سلام شرکت داشتند (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۲۶۵۰/۴)، برای مثال در سال ۱۳۲۸ق تنها مستوفی الممالک، موثق الدوله و حکیم الممالک از درباریان در سلام حضور داشتند؛ اما «شصت قزاق، قدری ژاندارم، چند نفر گاردی و سرباز، مستوفی، لشکرنویس» (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۱۸۱۴/۳) در سلام حاضر بودند. این امر می تواند نشان دهنده قدرت گیری قزاق ها و ورود آن ها به عرصه سیاست باشد.

۲-۶. سلام نیمه شعبان

روز ۱۵ شعبان، میلاد امام دوازدهم شیعیان، حضرت مهدی (عج) است. به همین مناسبت، شیعیان دوازده امامی، این روز را فرخنده داشته و به جشن و پایکوبی می پرداختند. در زمان قاجار در این روز مبارک، مردم در مقابل سردر شمس العماره و خیابان ناصریه (روزنامه ایران، شماره ۸۴۸: ۱)، جمع می شدند (روزنامه ایران، شماره ۸۲۰: ۱)، شهر را چراغانی کرده (سپهر، ۱۳۸۶: ۱/۱) و به همراه آتش بازی، (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۷۹۸) به جشن و پایکوبی می پرداختند.

به همین مناسبت، در دربار نیز مراسم سلام نیمه شعبان منعقد می گشت (شمیم، ۱۳۸۹: ۶۰۳؛ کسروی، ۱۳۸۴: ۲۳۱-۲۳۲؛ روزنامه ایران، شماره های ۵۱، ۸۷۵، ۸۷۸، ۹۰۴: ۱). خبری از برگزاری این سلام، قبل از ناصرالدین شاه، موجود نیست و از ابتکارات ناصری بود این مراسم در تالار بلور (روزنامه ایران، شماره های ۷۱۴، ۱۰۰۶: ۱)، اتاق نارنجستان (عین السلطنه، ۱۳۷۴:

(۱۶۱/۱) و اتاق برلیان (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۸۹/۲) با حضور «تمام سفرا و رجال دولت و بزرگان و علماء (کرمانی، ۱۳۸۹: ۵۰۹)» و در اواخر دوره قاجار وکلای ملت، منعقد می‌گشت. اهمیت این سلام آنچنان بود که حتی اگر شاه از بیماری رنج می‌برد، اهتمام داشت در این آئین، شرکت کند. (سپهر، ۱۳۸۶: ۱۰۴۵/۲)

در این روز مانند سایر سلام‌های عام، اعضای مراسم حاضر شده و پس از استقرار شاه و افراد در جایگاه خود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۵۷۵/۱)، موزیک نواخته می‌شد، مخاطب سلام خطبه می‌خواند، شاعر دربار شعری را که به مناسبت این روز سروده بود، قرائت می‌کرد (اصفهانی، ۱۳۴۰: ۱/۳۹۴-۳۹۵) و در نهایت شاه به سخنرانی می‌پرداخت (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱: ۸۹/۲-۹۰: روزنامه ایران، شماره ۸۲۰: ۱). در اواخر دوره قاجار، این سلام کارکرد عملی نیز داشت؛ عزل و نصب‌هایی در این روز صورت می‌گرفت، برای مثال؛ در این روز رضاخان به‌عنوان وزیر جنگ به حضور احمد شاه معرفی شد. (شمیم، ۱۳۸۹: ۶۰۳)

۷-۲. سلام میلاد امام حسین (ع)

به مناسبت میلاد امام حسین (ع)، امام سوم شیعیان، در مقابل سردر الماسیه، آتش‌بازی مفصلی برقرار و مردم به برپایی جشن مشغول می‌شدند (روزنامه ایران، شماره ۱۰۲۴: ۱). همچنین به مناسبت این روز، در دربار مراسم سلام منعقد می‌گشت (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۲/۱۳۷۸؛ روزنامه ایران، شماره ۲۲۵: ۲؛ همان، شماره ۶۵۳: ۱). از سلام میلاد امام حسین (ع) اطلاعاتی بسیار اندکی موجود است، به همین علت، شرح آن به طور دقیق ممکن نیست فقط مشخص است که مظفرالدین شاه، این سلام را بنیان نهاد (سپهر، ۱۳۸۶: ۶۰/۱) و در نهایت با روی کار آمدن رضا شاه، برگزاری آن متوقف شد. (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱۰/۸۰۰۰)

نشانه‌هایی از برپایی این سلام در تالار جنب برلیان (روزنامه ایران، شماره ۱۰۰۵: ۱)، تالار شمس‌العماره (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۹۰) و عمارت دوشان تپه (سپهر، ۱۳۸۶: ۲/۱۰۳۷) وجود دارد. به مناسبت تولد امام حسین (ع) خیابان‌ها را چراغانی کرده (سپهر، ۱۳۸۶: ۲/۱۰۳۷) و مراسم آتش‌بازی به عمل می‌آمد (سپهر، ۱۳۸۶: ۶۰/۱). رجال از «قلمی و قدمی» (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۹۰)، با لباس رسمی در مقابل شاه می‌ایستادند (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۹۰) و مراسم سلام شروع می‌شد. در این سلام، خطیب خطبه می‌خواند و ملک‌الشعرا به قصیده پرداز می‌شغول می‌گردید؛ همچنین توپ‌ها به صدا در می‌آمدند (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۹۰). در نهایت افواج قشون از مقابل شاه رژه می‌رفتند (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۹۰).

نتیجه

پژوهش آئین «سلام مذهبی» در دوره قاجار به منظور دریافت پاسخ مناسب در باب چگونگی برگزاری آئین سلام مذهبی و نقش مشروعیت‌زایی آن در این دوره، سعی در اثبات این مدعا دارد که آئین سلام ملی در دوره قاجار به مناسبت‌های عید قربان، عید فطر، عید غدیر خم، میلاد حضرت محمد (ص)، میلاد امام علی (ع)، میلاد امام حسین (ع) و نیمه شعبان با تشریفات خاصی برگزار می‌شد و کارکرد مشروعیت‌زایی برای حکومت قاجار داشت.

با بررسی‌های انجام شده در متون دوره قاجار، اسناد و روزنامه‌ها، مشخص گردید که آئین سلام مذهبی در این دوره برگزار می‌شده و شاهان قاجار با توجه به این مراسم، به دنبال راهی برای مشروعیت‌زایی به خصوص در میان مردم و علماء بودند. ناصرالدین شاه و جانشینان وی به خوبی به اهمیت این گونه مراسم آگاهی داشته، به همین سبب، به آن توجه ویژه نشان می‌دادند. بسیاری از سلام‌های مذهبی توسط ناصرالدین شاه برای بار نخست منعقد می‌شد. می‌توان سبب این امر را در دو هدف وی جست و جو کرد؛ به نظر می‌رسد در درجه اول تلاش او برای تثبیت جایگاه خویش به عنوان پادشاه شیعیان بود و در درجه دوم برای حفظ و ایجاد مشروعیت مذهبی قوی در تلاش بود به عنوان فردی دیندار و شیعه در میان مردم و علماء جلوه کند و از این راه قدرت و نفوذ علماء را به عنوان مراجع دینی محدود تر کرده و از طرفی با برگزاری جشن و پایکوبی، در میان مردم مقبولیت عمومی کسب کند. علماء که پیش از این برگزار کننده مراسم مذهبی بودند، اکنون با ابتکار ناصرالدین شاه، جزئی از این مراسم گردیدند و بخشی از وظایف آنان به شاه منتقل شد. اهمیت آئین سلام مذهبی زمانی بهتر مشخص می‌گردد که مشروعیت شاهان تضعیف شده باشد. برای مثال، انقلاب مشروطه اختیارات شاه را تضعیف کرد و این عمل می‌توانست بر مشروعیت آن‌ها تأثیرگذار باشد. محمدعلی شاه، نیز بعد از به توپ بستن مجلس به این نتیجه رسید که مشروعیت وی تحت تأثیر قرار گرفته و تلاش کرد با استفاده از آئین سلام به خصوص آئین سلام مذهبی، مشروعیت خود را بازیابد.

منابع و مأخذ

الف: کتاب‌ها

۱. اصفهانی، سروش (۱۳۴۰)، دیوان شمس الشعرا میرزا محمد علی خان سروش اصفهانی، با مقدمه جلال‌الدین همائی، به اهتمام: محمد جعفر محبوب، تهران، امیرکبیر، ج ۱.
۲. اعتماد السلطنه (۱۳۵۰)، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، با مقدمه ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
۳. اعتماد السلطنه (۱۳۶۳)، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ج ۳.
۴. اعتماد السلطنه (بی‌تا)، چهل سال تاریخ ایران یا المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، بی‌نا، بی‌جا، ج ۱.
۵. افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، افضل التواریخ، تصحیح منصوره اتحادیه، تهران، تاریخ ایران.
۶. الگار، حامد (۱۳۹۶)، دین و دولت در ایران، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، توس.
۷. اوین، اوژن (۱۳۶۲)، ایران امروز، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران، کتابفروشی زوار.
۸. اورسول، ارنست (۱۳۸۲)، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. براون، ادوارد (۱۳۸۰)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه: مهری قزوینی، تهران، کویر.
۱۰. بروگش، هینریش (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کرد بچه، تهران، اطلاعات، ج ۲.
۱۱. حائری، عبدالهادی (۱۳۸۱)، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر.
۱۲. حائری، عبدالهادی (۱۳۹۹)، نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر.
۱۳. حکیمی، محمود، تاریخ معاصر ایران (قاجاریه)، تهران، نامک، ۱۳۸۶.
۱۴. دوکوتزبوه، موریس (۱۳۶۵)، مسافرت به ایران، ترجمه محمود هدایت، تهران، جاویدان.
۱۵. دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۲)، حیات یحیی، تهران، عطار، ج ۴، ۲.
۱۶. رجبی‌دوانی (۱۳۹۰) محمد حسن، علمای شیعه در دوره قاجار، تهران، نی، ج ۱.

۱۷. سپهر، احمد علی (۱۳۳۶)، ایران در جنگ بزرگ ۱۳۱۸-۱۹۱۴، تهران، بی نا.
۱۸. سپهر، عبدالحسین (۱۳۸۶)، مرآت الوقایع مظفری، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ج ۱ و ۲.
۱۹. شجاعی زند، علیرضا، (۱۳۷۶)، مشروعیّت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، تهران، تبیان.
۲۰. شمیم، علی اصغر (۱۳۸۹)، ایران در دوره ی سلطنت قاجار، تهران، بهزاد.
۲۱. عزیزالسلطان (ملیجک ثانی) (۱۳۷۶)، روزنامه خاطرات عزیزالسلطان، مترجم محسن رضایی، تهران، زریاب، ج ۱، ۲، ۳، ۴.
۲۲. عین السلطنه (۱۳۷۴)، خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ج ۱، ۲، ۳، ۷، ۱۰.
۲۳. فراهانی، حسن (۱۳۸۵)، روزشمار تاریخ معاصر ایران، به کوشش هدایت الله بهبودی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش هاها ی سیاسی، ج ۱، ۲، ۳.
۲۴. فروند، ژولین (۱۳۸۳)، جامعه شناسی ماکس وبر، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، توتیا.
۲۵. فریزر، جیمز (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران، توس.
۲۶. فووریه، ژوانس (۱۳۸۵)، سه سال در دربار ایران، مترجم عباس اقبال آشتیانی، تهران، علم.
۲۷. فیودورکوف (۱۳۷۲)، بارون سفرنامه بارون فیودورکوف، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران، : فکر روز.
۲۸. قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۸۷)، جامع الشتات، تصحیح: مرتضی رضوی، تهران، کیهان.
۲۹. کرزن، جرج (۱۳۶۹)، ایران و قضیه ایران، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
۳۰. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۸۹)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام محمدرضا حسن بیگی، تهران، دبیر.
۳۱. کسروی، احمد (۱۳۸۴)، تاریخ هجده ساله آذربایجان، تهران، امیرکبیر.
۳۲. کشفی، سید جعفر (۱۳۸۱)، تحفه الملوک، به کوشش عبدالوهاب فراتی، قم، موسسه بوستان کتاب.

۳۳. ماساهارو، یوشیدا (۱۳۷۳)، سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه: هاشم رجب زاده، مشهد، استان قدس رضوی.
۳۴. مدنی، سید جلال الدین (۱۳۶۸)، تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجه ایران، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۵. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ج ۱.
۳۶. مظفر، محمد حسین (۱۳۶۸)، تاریخ شیعه، ترجمه: محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۷. معتمد، محمود فرهاد (۱۳۲۵)، تاریخ سیاسی دوره صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم، تهران، شرکت نسبی علی اکبر علمی و شرکا.
۳۸. معیرالممالک، دوست علی خان (۱۳۷۲)، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران، تاریخ ایران.
۳۹. ناصرالدین شاه (۱۳۶۲)، سفرنامه عراق عجم، تهران، تیراژه.
۴۰. ناصرالدین شاه (۱۳۷۱)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، گردآورنده: فاطمه قاضی‌ها، تهران، رسا.
۴۱. ناصرالدین شاه (۱۳۷۸)، یادداشت‌های روزنامه ناصرالدین شاه، به کوشش پرویز بدیعی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
۴۲. ناصرالدین شاه (۱۳۷۹)، روزنامه اردوی همایون، به کوشش: سید فرید قاسمی، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۴۳. ناصرالدین شاه (۱۳۹۶)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادی‌الثانی ۱۲۸۴، تصحیح: مجید عبدامین، تهران، دکتر محمود افشار.
۴۴. ناصرالدین شاه (۱۳۹۷)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۳۱۰ تا جمادی‌الاول ۱۳۱۲، به کوشش: مجید عبدامین، تهران، دکتر محمود افشار.
۴۵. هدایت، رضا قلی میرزا (۱۳۸۰)، روضه الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، ج ۱۰.
۴۶. هدایت، مهدی تقی خان (۱۳۶۱)، خاطرات و خطرات، تهران، کتاب فروشی زوار.
۴۷. بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، خراسان و سیستان، ترجمه: قدرت الله، مهرداد رهبری، تهران، یزدان.

ب: روزنامه‌ها

۱. روزنامه آفتاب سال: ۱۳۳۱: شماره ۱۵۲.
۲. روزنامه ادب سال‌های: ۱۳۲۰، شماره: ۴۱.
۳. روزنامه ارشاد سال: ۱۳۳۴، شماره ۷۴۶.
۴. روزنامه الجنب سال: ۱۳۲۴، شماره ۷.
۵. روزنامه ایران سال‌های: ۱۲۸۸، شماره‌های: ۴۴، ۵۱، ۵۸، ۷۷ | ۱۲۸۹، شماره‌های: ۹۸، ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۴۷ | ۱۲۹۰، شماره‌های: ۲۰۶ | ۱۲۹۱، شماره‌های: ۲۲۸، ۲۴۴، ۲۵۱ | ۱۲۹۲، شماره‌های: ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۷۵ | ۱۲۹۳، شماره‌های: ۲۸۱ | ۱۲۹۴، شماره‌های: ۳۱۶، ۳۴۰، ۳۴۱ | ۱۲۹۵، شماره‌های: ۳۴۸، ۳۶۰، ۳۷۲ | ۱۲۹۶، شماره‌های: ۳۸۰، ۴۰۲، ۴۰۳ | ۱۲۹۷، شماره‌های: ۴۱۱، ۴۳۶، ۴۳۷ | ۱۲۹۸، شماره‌های: ۴۴۷، ۴۷۱ | ۱۲۹۹، شماره: ۴۷۸ | ۱۳۰۰، شماره: ۵۲۸ | ۱۳۰۱، شماره‌های: ۵۴۴، ۵۵۵، ۵۵۶ | ۱۳۰۲، شماره‌های: ۵۸۳، ۵۸۲ | ۱۳۰۳، شماره‌های: ۵۸۹، ۵۹۸، ۶۰۸، ۶۰۹ | ۱۳۰۴، شماره: ۶۲۶ | ۱۳۰۵، شماره‌های: ۶۵۸ | ۱۳۰۶، شماره: ۶۷۱ | ۱۳۰۷، شماره‌های: ۷۰۱، ۷۱۴، ۷۲۴ | ۱۳۰۸، شماره‌های: ۷۳۱، ۷۵۱ | ۱۳۰۹، شماره‌های: ۷۵۷، ۷۶۶ | ۱۳۱۰، شماره‌های: ۷۸۲، ۷۹۲، ۷۹۸، ۸۰۳ | ۱۳۱۱، شماره‌های: ۸۲۰، ۸۳۰ | ۱۳۱۲، شماره‌های: ۸۵۷ | ۱۳۱۳، شماره‌های: ۸۷۵، ۸۷۳ | ۱۳۱۴، شماره‌های: ۹۰۲، ۹۰۴، ۹۱۲ | ۱۳۱۵، شماره: ۹۳۴ | ۱۳۱۶، شماره: ۹۴۸، ۹۵۷ | ۱۳۱۹، شماره‌های: ۹۹۷، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۱۲ | ۱۳۲۰، شماره: ۱۰۳۲ | ۱۳۳۵، شماره‌های: ۲۹، ۱۰۲ | ۱۳۳۶، شماره‌های: ۲۱۱، ۲۲۵، ۲۶۴ | ۱۳۳۷، شماره: ۴۶۵ | ۱۳۳۸، شماره‌های: ۶۵۳، ۷۳۷ | ۱۳۳۹، شماره‌های: ۸۷۸ | ۱۳۴۰، شماره: ۱۰۱۸
۶. روزنامه برق سال: ۱۳۲۹، شماره: ۱۱
۷. روزنامه تربیت سال: ۱۳۲۲، شماره: ۳۵۲
۸. روزنامه جارچی ملت سال: ۱۳۳۱، شماره: ۱۰
۹. روزنامه حبل‌المتین سال‌های: ۱۳۲۴، شماره: ۲۴ | ۱۳۲۹، شماره: ۴
۱۰. روزنامه دولت علیه ایران سال‌های: ۱۲۷۸، شماره: ۴۹۹
۱۱. روزنامه روح‌القدس سال‌های: ۱۳۲۵، شماره: ۱۵ | ۱۳۲۶، شماره: ۱۹
۱۲. روزنامه نسیم شمال سال: ۱۳۳۴، شماره: .

۱۳. روزنامه صوراسرافیل سال‌های: ۱۳۲۵، شماره: ۲۱. | ۱۳۲۷، شماره‌های: ۱، ۲، ۳

۱۴. روزنامه کوشش سال: ۱۳۴۲، شماره: ۶۴

۱۵. روزنامه مساوات سال: ۱۳۲۶، شماره: ۱۲

۱۶. روزنامه معارف سال: ۱۳۱۷، شماره: ۳۱

۱۷. روزنامه ندای وطن سال: ۱۳۲۷، شماره: ۷

ج: اسناد

آرشیو ملی ایران، اسناد شماره: ۴۲۹۸۳۶؛ ۴۳۰۸۶۴؛ ۴۷۵۷۷۰؛ ۲۹۵/۲۳۶۸

د: مقالات

آقازاده، جعفر (۱۳۹۶)، «اقدامات فتحعلی شاه قاجار برای کسب مشروعیت سیاسی بر اساس

روش‌های جاری در دوره اسلامی»، فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱.

پیوست



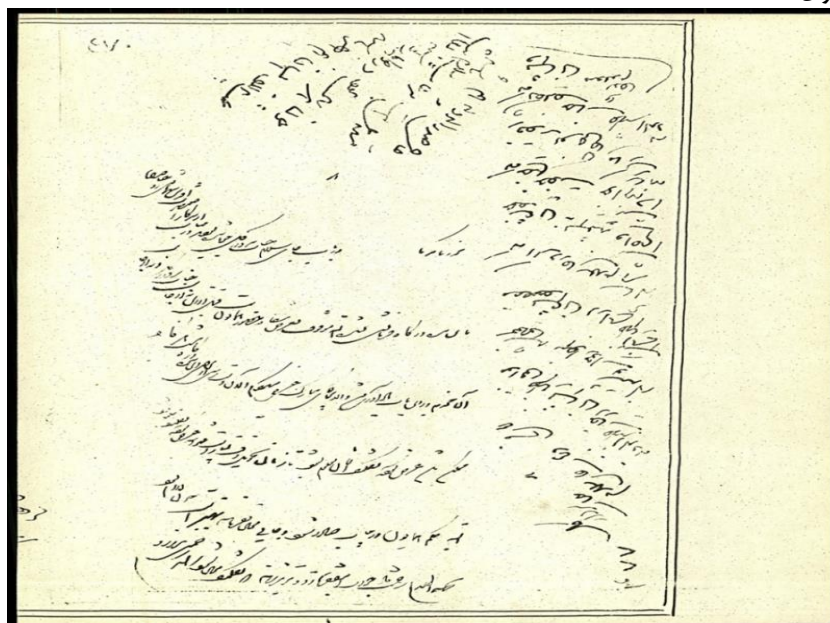
تصویر شماره (۱)، مراسم سلام در باغ شاه (آرشیو ملی ایران، شماره مدرک ۴۲۹۸۳۶)



تصویر شماره (۲)، رضاخان سردار سپه نخست‌وزیر، روز سلام در حضور احمدشاه جنب ستونی
خبردار ایستاده و عده‌ای نظامی پشت سر او قرار دارند، ولی احمد شاه قاجار در عکس مشاهده
نمی‌گردد (آرشیو ملی ایران، شماره مدرک ۴۳۰۸۶۴)



تصویر شماره (۳)، مجلس سلام ناصرالدین شاه قاجار با حضور مقامات مملکتی و نمایندگان خارجی (آرشیو ملی ایران، شماره مدرک ۴۷۵۷۷۰)
نامه‌ای به ناصرالدین شاه در خصوص ایستادن در جای سلام همیشگی هنگام سلام (آرشیو ملی ایران، ۲۹۵/۲۳۶۸)



غزلی در تهنیت عید اضحی و مدح ناصرالدین شاه

ای بت به قد برشده سرو روانیا
 آشوب عقل و دین و بلای روانیا
 باطره شکسته تر از پشت بیدلان
 با چهره شکفته تر از ارغوانیا
 عشقت بزرگ شد به دل اندرز بهرآنک
 تو کودک شکرلب و کوچک دهانیا
 نزدیک تو چو آیم دورم کنی ز خویش
 گویی مرا گویم و تو صولجانیا
 آهورمد ز آدمیان وین شگفت نیست
 تو آهوئی بدین سبب ازما رمانیا
 گویند کز زمین شد زهره بر آسمان
 کی بر زمین تو آمده‌یی ز اسمانیا
 عاشق شدم به نارون و ناردان که تو
 چون نارون به قد و بلب ناردانیا
 کاری بنفشه بر گل و دارای بسر و باغ
 چشم بد از تو دور نکو باغبانیا
 خالی بود گلستان در مهرگان ز گل
 تو با رخان پر گل در مهرگانیا
 چون خوی کند ز خجلت روی لطف تو
 پروین گسسته گویی بر پرنیانیا
 گر خواجه تو رأی فر ختن کند ترا
 بالله گرت خزند به جای رایگانیا
 یعقوب وار بارم در عشق تو سرشک
 تا تو بحسن چون پسرش داستانیا
 در عشق تو ندیدم جز هون و جز هوان
 ای عشق سر بسر همه همون هوانیا
 جانگاه و جانستانی و نامت بخیره عشق

نه عشق، تیغ خسرو گیتی ستانیا
بونصر شاه ناصر دین کش سپهر گفت
خلق خدای را ملک مهربانیا
دولت چه گفت گفت بخدمت ستاده ام
زانگه که بر نشست به گاه کیانیا
نصرت چه گفت گفت که در موکب توام
تا تو بیادشاهی سته میانیا
ماه ستاره افسر و خورشید چرخ تخت
شاه شهاب تیر و مجره کمانیا
گویی شدند زنده فریدون و کیقباد...
(ر.ک. دیوان اصفهانی، ۱۳۴۰: ۳۶-۳۷)